

(عليه السلام)
شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع:

حق غریزه جنسی (۸)

تاریخ ۱۳۹۳ / ۱۲ / ۱۰

فهرست

■ مروری بر مباحث گذشته

■ عواقب زنا در دنیا و آخرت

■ بی‌عنایات خدا هیچیم هیچ

■ نکته‌ای قرآنی از سوره‌ی یوسف

مطرح است.

دوم، عبارت است از فراوان یاد کردن مرگ.

نکته‌ی سوم، انسان خود را در مقام خوف از پروردگار متعال قرار دهد. این ترس عبارت است از: ترس از مقام الهی، افتادن از چشم رحمت حق و ابتلا به انواع و اقسام نکبت‌ها و مصیبت‌های دنیایی، برزخی و قیامتی.

■ عواقب زنا در دنیا و آخرت

انسان باید خود را از عقوبت و عوارض بسیار شوم و خطرناک انحراف‌های مرتبط با غریزه‌ی جنسی بترساند؛ این عقوبت هم در دنیا و هم در آخرت، از برزخ تا قیامت گریبان‌گیر انسان خواهد بود. توجه به این عوارض و عواقب شوم بازدارنده و مهارکننده است. روایتی از امام صادق (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) وجود دارد، به نقل از امام باقر و آن حضرت هم از پدر بزرگوارشان، تا به

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّهِمْ

■ مروری بر مباحث گذشته

متن رساله‌ی حقوق امام سجاد (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) بسیار کوتاه، ولی بسیار دقیق و کاملاً کاربردی طراحی شده است. در محور حق غریزه، امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) برای حفاظت و نگهداشت این امانت بزرگ الهی و بهره‌برداری در مسیر رضای الهی و متناسب با حکمت آفرینش، راه‌هایی را پیشنهاد می‌کنند، که سه نکته‌ی اساسی و کلیدی - و البته به یک اعتبار چهار نکته - در متن این رساله‌ی نورانی آمده است.

مطلب اول، برای مدیریت و کنترل غریزه‌ی جنسی، با همه‌ی قدرت، ظرفیت و تهدیدهایی که دارد، در درجه‌ی اول، «عَضُّ البَصَر» چشم‌پوشی، کنترل چشم و نگاه

مصیبت و گرفتاری را در پی خواهد داشت. حضرت فرمودند که سه نمونه‌ی آنها، دنیایی است و سه نمونه‌ی دیگر آنها، آخرتی است. «فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا»، اما آنچه که در دنیا به سر شخص گنهکار و زناکار می‌آید؛ اول، «فَيَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ»، طراوت چهره، روشنایی چهره را می‌گیرد. از چهره‌ی این‌طور آدم‌ها روشنایی و نوری از ایمان، که معمولاً در چهره‌ی پاکان و مؤمنان هست، گرفته می‌شود و زشت‌رو می‌شوند. دوم، «وَيُعَجَّلُ الْفَنَاءِ»، مرگ را نزدیک می‌کند. چنین اشخاصی معمولاً در معرض مرگ‌های زود هنگام و غیر مترقبه هستند. سوم، «وَيَقْطَعُ الرِّزْقَ»، رزق و روزی را قطع می‌کند و تنگدستی به همراه دارد.

«وَأَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ»، و اما سه گرفتاری که در آخرت پیش می‌آید، فرمودند: «فَسُوءُ الْحِسَابِ»، اول، در حسابرسی به اعمال او سخت‌گیری خواهد

امیر مؤمنان علی (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) می‌رسد، که امیر المؤمنین نیز از پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه و آله) روایت کردند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) این‌گونه در وصیّتی، برای یکی از انحراف‌های جنسی که ممکن است خدایی نخواستگی کسی به آن مبتلا شود، این عوارض را فهرست کردند و فرمودند: «فِي الزَّنا سِتُّ خِصَالٍ: ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ، فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَيَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ، وَيُعَجَّلُ الْفَنَاءَ، وَيَقْطَعُ الرِّزْقَ، وَأَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَسُوءُ الْحِسَابِ، وَسَخَطُ الرَّحْمَنِ، وَالْخُلُودُ فِي النَّارِ؛ ۱ زنا شش پیامد دارد: سه پیامد در دنیا و سه پیامد دیگر در آخرت. پیامدهای دنیایی‌اش این است که آبرو را می‌برد، مرگ را شتاب می‌بخشد و روزی را می‌برد و پیامدهای آخرتی‌اش عبارت است از حسابرسی سخت و دقیق، خشم خدای رحمان و جاودانگی در آتش است»، این انحراف شش

شد. دوم، «وَ سَخَطُ الرَّحْمَنِ»، غضب خدای مهربان، در اینجا خدای متعال به رحمت ستوده شده، کسی که در اوج مهر نسبت به بنده‌های خودش است، کسی که با رفتاری زشت، او را نسبت به خودش خشمگین کند، بسیار دردناک است. در ارتباطات عادی بین خودمان هم وجود دارد، به عنوان مثال، اگر یک پدر بسیار مهربان یا یک مادر عزیز و مهربان نسبت به فرزندش خشمگین شود، واضح است، کار بسیار زشتی را مرتکب شده که او را به خشم آورده است. رفتاری زشت، چقدر پلید باید باشد که پیوستش خشم خداوند را همراه داشته باشد و آن خشم مصیبت‌های بسیاری را برای شخص می‌آورد، که غیرقابل تصوّر و محاسبه است، حداقل آن، روی برگرداندن و بی‌اعتنایی خدای متعال، از شخص گنهکار است و رحمت خودش را از او دریغ کند. سوم، «وَ الْخُلُودُ فِي النَّارِ»

که ادامه‌ی «وَ سَخَطُ الرَّحْمَنِ» و تجلّی آن است، جاودانه در آتش می‌ماند، که ابعاد و جوانبش قابل تصوّر نیست. یادآوری و پیامدهای آسیب‌ها و مخاطرات انحراف‌های در ارتباط با غریزه، خودش بازدارنده و تهدیدکننده است. گاهی اوقات به خاطر غفلت و آسان گرفتن بر خود است که گرفتار این مصیبت‌ها می‌شویم.

عوارض این نوع گناهان جنسی اگرچه در ارتباط با فرد گفته شده است، اما چنانچه در جامعه‌ای این نوع از گناهان زیاد شود و حالت پذیرفته‌شده‌ای در جامعه پیدا کند، پیامدهای آن به صورت فراگیر، گریبان‌گیر مردم است. در روایاتی داریم که، آسیب‌های اقتصادی در جامعه و آسیب‌های طبیعی پیش می‌آورد، باران رحمت و فیض الهی را دور می‌کند، در زندگی مردم قحطی می‌آورد، چنین جامعه‌ای در معرض زلزله‌های سخت و سنگین و سایر عذاب‌ها

قرار می‌گیرد.

■ بی‌عنایات خدا هیچیم هیچ

جمله‌ی پایانی این بخش از رساله‌ی حقوق امام سجّاد (علیه الصّلاه و السّلام) این است: «وَاللّٰهُ الْعِزْمَةُ وَالتَّأْيِيدُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ؛ که عصمت و پاکدامنی و تأیید از خداست و هیچ جنبش و نیرویی نیست مگر به خدا». بعد از بیان نمونه‌هایی که می‌توانند، کمک‌های بزرگی برای شخص باشند تا بتواند این امانت بزرگ را از آسیب‌ها و انحراف‌ها حفظ کند؛ امام (علیه السّلام) فضای دیگری را باز می‌کند. به قول مولوی:

این همه گفتیم لیکن در بسیج
بی‌عنایات خدا هیچیم هیچ

قِرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي»^۲
چرا که نفس قطعاً به بدی امر

می‌کند، مگر کسی را که خدا رحم کند، این آیه در ارتباط با غریزه‌ی جنسی است، اگرچه نفس امّاره دعوت به انواع و اقسام بدی‌ها می‌کند، امّا آن بدی خاصی که در این آیه تأکید شده، عبارت است از آنچه که به انحراف‌های مربوط به غریزه ارتباط دارد، چون حقیقتاً بنیان‌کن است و ریشه‌ی ایمان را می‌سوزاند. وقتی عفت آسیب ببیند، حیا کاهش پیدا کند، ایمان در معرض آسیب‌های اساسی قرار می‌گیرد، همانند زلزله‌ای است که بنای ایمان را تخریب و ویران می‌کند. در جلسه‌ی اوّل تحلیل عقلانی مسئله بیان شد، اکنون فارغ از جنبه‌های فرامادی، تحلیل عقلانی‌اش این است که خانواده را می‌سوزاند و جامعه‌ای که در آن خانواده متلاشی شود و آسیب ببیند، در این جامعه، هیچ فضیلت و رشدی شکل نمی‌گیرد و اساساً همه‌ی فضیلت‌ها می‌سوزد

إِلَّا بِاللَّهِ»، همه‌ی نیروها و یاری‌ها از جانب خدای متعال است، اگر کسی مغرور شود، بگوید: من خودم چه خواهم کرد، اراده‌ام را تقویت می‌کنم، بخواهد صرفاً روی برنامه‌های خودش حساب باز کند، چنین کسی بداند که راه خطایی را رفته و در معرض اشتباهات بزرگتری قرار گرفته است. نباید کسی مغرور شود، همواره باید لحظه به لحظه از خدا یاری و کمک بخواهد، به خداوند تکیه و اعتماد کند، خداوند هم او را یاری می‌کند.

■ نکته‌ای قرآنی از سوره‌ی یوسف

سوره‌ی یوسف (عَلَى نَبِيِّنَا وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِ السَّلَامُ)، سوره‌ای بسیار سازنده است، که قصه‌ی یکی از بزرگترین پیامبران الهی در این سوره مطرح شده است، ماجراهای این پیامبر بسیار تکان‌دهنده، سازنده، پیش‌برنده و حفظ‌کننده

و بنیان همه‌ی فضیلت‌ها از دست می‌رود. انحراف‌های مربوط به غریزه‌ی جنسی خانواده‌سوز است و خانمان را برمی‌اندازد.

در اینجا حضرت می‌فرماید: «و بِاللَّهِ الْعِصْمَةُ وَ التَّأْيِيدُ»، همه‌ی افراد در ارتباط با این امانت بزرگ و آسیب‌ها، مخاطرات و دام‌هایی که در این زمینه وجود دارد، باید به خداوند پناه ببرند. در این پناه‌جویی به خداوند و مدد خواستن از حق (تَبَارَكَ وَ تَعَالَى) و کمک خواستن از خدای کریم قادر مهربان بنده‌نواز است که شخص می‌تواند به عصمت برسد و از تأیید و پشتیبانی خاص الهی بهره‌مند شود. در اینجا از کلمه‌ی عصمت به معنای پاکی و پاکدامنی به معنای دقیق کلمه استفاده شده است. این عصمت و پاکی فقط با یاری خداوند و با تأیید از جانب پروردگار عزیز و متعال اتفاق می‌افتد و خداوند یاری می‌کند، «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

است. با اینکه قرآن کریم مملوء از قصه‌های سازنده و نقل حکایاتی است که در خودش اسرار فراوان عرفانی، روحانی، اخلاقی، سلوکی، اجتماعی و توحیدی ناب تعبیه شده است، بسیاری از سنت‌های الهی و قوانین زندگی سعادت‌مندان در این قصه‌ها آمده است. قرآن عزیز و کریم این سوره را به عنوان «أَحْسَنُ الْقَصَصِ»^۳ نیکوترین سرگذشت، معرفی می‌کند.

سوره مبارکه‌ی یوسف (علیه السلام) دوازدهمین سوره‌ی قرآن کریم است، مردم عزیز ما با این سوره و با داستان‌های این سوره آشنا هستند، مخصوصاً با سریال زیبا و فاخری که در ارتباط با این پیامبر بزرگ و بر اساس این طرح قرآنی ساخته و ارائه شد. صمیمانه از کارگردان گرامی و دست‌اندرکاران آن سریال بسیار زیبا و سازنده تشکر می‌کنیم، که نه فقط در کشور عزیزمان، بلکه در بعضی از کشورهای دیگر هم

مورد استقبال قرار گرفت. نکته‌ای به صورت عمومی در ارتباط با سوره‌ی مبارکه‌ی یوسف وجود دارد، آن نکته که جمع‌بندی از مرحوم استاد علامه‌ی طباطبایی (رَضْوَانُ اللهُ تَعَالَى عَلَیْهِ) در تفسیر فآخر و ارجمند المیزان است، عبارت است از اینکه خدای متعال در سوره‌ی یوسف (علیه السلام) جلوه‌های گوناگون ولایت خودش را به نمایش گذاشته، بدین معنا که این سوره، سوره‌ی ولایت الهی است. شما کسی را می‌بینید، که در تمام فراز و فرودها، در همه‌ی تنگناها و لحظه‌های طاقت‌فرسا و سخت، در معرض امتحان‌های بزرگ، خودش را در حوزه‌ی ولایت الهی قرار داده، تعریف کرده است و از تربیت و عنایت خاص پروردگار متعال نصیب ویژه دارد. در تمام بخش‌های این ماجرا نشان می‌دهد که خداوند چگونه بنده‌ی خودش را، به رغم همه‌ی عوامل

آن مرحله است که ما به او حکم نبوت و دانش را دادیم و این‌گونه ما به محسنین پاداش می‌دهیم. چگونگی قرار گرفتن این شخصیت گرامی در زمره‌ی محسنین و بهره‌مند شدن او از این عنایت الهی، یک نمونه‌اش در قرآن کریم مطرح شده است: «وَرَأَوْنَاهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ»^۵ و آن [بانو] که وی در خانه‌اش بود خواست از او کام گیرد و درها را [پیاپی] چفت کرد و گفت: بیا که از آن توام!، [یوسف] گفت: پناه بر خدا، او آقای من است. به من جای نیکو داده است. قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند»، در این نقطه از داستان، قرآن بسیار در پرده و آکنده‌ی از عفت این ماجرا را نقل می‌کند. اساساً یکی از ویژگی‌های قرآن کریم رعایت سخن در مواردی است که این‌گونه بحث‌ها پیش

مخالف و موانع درونی و بیرونی که بر سر راه وجود دارد پرورش و رشد می‌دهد، حفظ می‌کند، پیش می‌برد، نجات می‌دهد و عزیز می‌کند.

یکی از ماجراهایی که برای حضرت یوسف در این سوره‌ی نورانی پیش آمده و به آن پرداخته شده، در ارتباط با بحث غریزه جنسی است و مخاطرات مرتبط با این غریزه‌ی خطرناک و امتحان بزرگی که این پیامبر عزیز و گرامی در معرضش قرار گرفت. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»^۴ و چون به رشد و کمال خویش رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم»، یوسف در خانواده‌ی عزیز مصر پرورش و رشد پیدا کرد، به بلوغ رسید، در کمال جسمی خودش قرار گرفت، خداوند می‌فرماید: در

می‌آید، حیا و عفاف در کلمات خدای متعال موج می‌زند و این هم خودش درسی است. حضرت یوسف (عَلَيْهِ السَّلَام) او به جوانی رسیده و در اوج زیبایی است، که حُسن یوسف و زیبایی یوسف ضرب المثل است، ظاهراً این زیبایی او را در معرض این امتحان سخت قرار داده است، در کمال زیبایی خودش قرار گرفته، به گونه‌ای که همسر عزیز مصر با اینکه درباره‌ی یوسف، سابقه‌ی پرستاری، مادری و مهربانی دارد، درباره‌ی او طمع می‌کند، متأسفانه او گرفتار وسوسه‌های شیطنی می‌شود و دامی را برای یوسف قرار می‌دهد. قرآن کریم در همین یک آیه مسئله را خلاصه کرده است، «وَرَأَوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ،» او را به سوی خودش فراخواند، «غَلَقَتِ الْأَبْوَابَ»، همه‌ی درها را می‌بندد، همه‌ی برنامه‌ها را طراحی کرده، برای اینکه خود و این شخصیت

برگزیده و جوان مؤدب را گرفتار و آلوده این گناه کند، «وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ»، می‌گوید: همه چیز برای تو آماده است و مهیا است. نکته‌ای کلیدی در اینجا وجود دارد، «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ»، همان «بِاللَّهِ الْعِصْمَةُ وَالتَّائِيدُ» در اینجا است. «مَعَاذَ اللَّهِ» دوجا در قرآن آمده است، هر دو هم در سوره‌ی مبارکه‌ی یوسف است، یکی اینجا است، دیگری هم چند آیه‌ی بعد است که در ارتباط با ماجرای بنیامین است و ماجرای که ساخته شد برای اینکه بنیامین نزد برادرش بماند، آنجا هم «مَعَاذَ اللَّهِ» استفاده شده است. «مَعَاذَ اللَّهِ» در واقع در مقام پناهندگی به آستان لطف الهی مطرح می‌شود، «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ»، پناه بر خدا، من و ارتکاب گناه! در محضر پروردگار عزیزم که شاهد من است. تعبیرهای جالبی در اینجا وجود دارد، «إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ»، واضح است که بین یوسف و پروردگارش، ارتباط

الْمُخْلِصِينَ؛^۶ و در حقیقت [آن زن]
 آهنگ وی کرد و [یوسف نیز] اگر
 برهان پروردگارش را ندیده بود،
 آهنگ او می‌کرد. چنین [کردیم] تا
 بدی و زشت‌کاری را از او بازگردانیم،
 چرا که او از بندگان مخلص ما
 بود، این بانو، آن تصمیم خطرناک
 را گرفت و به یوسف گرایش پیدا
 کرد، به سوی او حرکت کرد و
 او را به سوی خودش دعوت
 کرد و نکته‌ی مهم اینجاست، «وَ
 هَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»،
 یوسف در آن لحظه‌ی سخت و در
 آن امتحان جانکاه، نشانه‌ی پروردگار
 خودش را و حضور خداوند را در
 آنجا مشاهده کرد، «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ»،
 به خداوند توجه پیدا کرد که هیچ
 خلوتی خالی از حضور او نیست،
 اگر نبود این توجه به خداوند و
 یاد خدا و ذکر عملی که برای
 او اتفاق افتاد، او هم بر اساس
 همین ترتیب ظاهری و عادی
 غریزه، گرایش به این گناه پیدا
 می‌کرد؛ اما او به خدا پناه برد

صمیمانه، دوستانه و کاملاً آشنا
 و نزدیکی برقرار است که این
 واژه‌ها این را می‌گوید، او ربِّ،
 خالق، مالک و ولیّ من است،
 هرچه دارم از او دارم، امانت‌های
 او نزد من است، در عبارت «إِنَّهُ
 رَبِّي»، همه‌ی این حرف‌ها نهفته
 است، بسیار مرا مورد عنایت
 خودش قرار داده، در خلقت من،
 در نعمت‌هایی که به من داده، مرا
 مورد لطف خودش قرار داده، من
 چطور حریم او را بشکنم! حریم
 پروردگار خودم را و آنچه را که او
 نمی‌پسندد و گناه می‌داند مرتکب
 بشوم! «إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ»، اگر
 من مرتکب چنین گناهی شوم،
 مرتکب ظلم شده‌ام، زیرا شکستن
 حریم پروردگار، ظلم است و
 کسی که مرتکب چنین ظلمی
 شود، سعادت‌مند نمی‌شود.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ
 هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى
 بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ
 السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا

پروردگار متعال طلب عصمت و پاکی می‌کند و پاسخ هم دریافت می‌کند، «كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ»، ما این‌گونه است که بدی و فحشاء را از او دور می‌کنیم.

حضرت یوسف (عَلَيْهِ السَّلَام) بعد از توجّه به پروردگار متعال و آن برهان و جلوه، تجلّی آشکار از جمال الهی را می‌بیند، دلگرم می‌شود، بر خود مسلط می‌شود، غریزه را مهار می‌کند و شروع می‌کند به گریختن، قرآن می‌فرماید: «وَاسْتَبَقَا الْبَابَ»^۶ و آن دو به سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند»، به سمت در می‌رود و آن خانم هم پشت سر او می‌آید. هنگامی از آن در بیرون می‌آیند، در شرایطی دیده می‌شوند که لباس آن خانم پاره شده است. آن خانم هم بلافاصله می‌گوید: او به من قصد بد داشت و به یوسف (عَلَيْهِ السَّلَام) تهمت می‌زند؛ ادامه‌ی آیه نشان می‌دهد که

و خداوند برهان خودش را آشکار کرد، جمال خودش را به او نشان داد، او را جذب خودش کرد و در حریم لطف خودش حفاظت کرد. «كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ»، می‌فرماید: این‌گونه است که ما از او بدی و زشتی گناه را دور و منصرف کردیم، «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ»، یوسف در رابطه‌اش با پروردگار، به مقام مخلصین نائل می‌شود؛ ارتباط او با پروردگارش زلال، صاف و شفاف است؛ چطور خدای متعال اجازه بدهد این بنده‌ی پاکش بلغزد و آلوده شود؟!؟

نتیجه‌ی ارتباط فعال، در مقام بندگی خالص در پیشگاه خدا، رفاقت، ارتباط صمیمانه و آکنده از دوستی و محبت و جاری بودن ذکر در ذهن، فکر، چشم و دل این بنده‌ی برگزیده، این می‌شود که در آن لحظه‌ی سخت به خداوند پناه می‌برد، از خدا کمک می‌خواهد و استعصام می‌کند، از

السَّلَام) این است: «قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ، وَإِلَّا تَصْرَفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَضْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ، فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛^۱ [یوسف] گفت: پروردگارا، زندان برای من دوست داشتنی تر است از آنچه مرا به آن می خوانند و اگر نیرنگ آنان را از من بازگردانی، به سوی آنان خواهم گرایید و از [جمله] نادانان خواهم شد، پس، پروردگارش [دعای] او را اجابت کرد و نیرنگ زنان را از او بگرداند. آری، او شنوای داناست»، «فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ»، خداوند، به او پاسخ می گوید و او را در این مرحله نیز حفظ می کند.

یوسف (عَلَيْهِ السَّلَام) تهدید می شود که اگر تبعیت نکند و به این درخواست شیطانی تن ندهد، زندان می رود، او باز هم به سوی خدا برمی گردد و می گوید: خدایا! زندان برای من بهتر از این

چطور خدای متعال از او حمایت می کند تا بنده اش گرفتار آن تهمت نشود، «و شَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا»^۲ و شاهدی از خانواده آن زن شهادت داد». یک نفر از همانجا شهادت می دهد که ببینید لباس از کدام سمت پاره شده و به همین آسانی یوسف از این تهمت نجات پیدا می کند. در مراحل بعد نیز این خانم، برای اینکه حمایت اجتماعی پیدا کند، طراحی های دیگری انجام می دهد. یک میهمانی ترتیب می دهد و خانم ها را دعوت می کند که یوسف را ببینند، چون سرزنش شده بود. در ادامه آمده است: «وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ»^۳ من از او کام خواستم [ولی] او خود را نگاه داشت»، من او را به گناه دعوت کردم، اما او پاکی طلبید، عصمت جست و البته می گوید اگر امر من را اطاعت نکند، او را زندانی و تحقیر خواهم کرد. در ارتباط با این مسئله، پاسخ یوسف (عَلَيْهِ

دعوت شیطانی است که انجام می‌شود؛ در ارتباط با حفاظت این امانت الهی، شخص حتی اگر به دردهایی نیز مبتلا شود، ارزش دارد و باید خودش را برای تحمّل این دردها هم آماده کند.



■ منابع و مأخذ:

۱. شیخ صدوق، خصال، ص ۳۲۱، ح ۳.
۲. یوسف: ۵۳.
۳. یوسف: ۳.
۴. قصص: ۱۴.
۵. یوسف: ۲۳.
۶. یوسف: ۲۴.
۷. یوسف: ۲۵.
۸. همان: ۲۶.
۹. همان: ۳۲.
۱۰. همان: ۳۳ و ۳۴.



افوغها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۴۸۵۹۵۹

اثنیه‌ها، ساعت ۱۹

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

